

مکان‌یابی آتشکده‌های چهارگانه مهرنرسی:

بررسی آتشکده‌های مسیر بیشاپور - اردشیرخَره

دکتر جواد نیستانی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

عباس نامجو

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

و

دکتر مهدی موسوی کوهپر

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

به نوشته طبری و بنابر تحقیقات تاریخی، مهرنرسی وزیر اعظم بهرام پنجم (۴۳۹ - ۴۲۱ م.) در ولایت اردشیرخَره، بناهای زیادی ساخت. او ضمن ساخت بناهای عام‌المنفعه، چهار آتشکده در چهارروستا از منطقه دشت بارین از ولایت اردشیرخَره بنا نهاد. مقاله حاضر مکان‌یابی دقیق آتشکده‌های یادشده براساس آگاهی‌های موجود در منابع تاریخی، مطالعه مسیرهای ارتباطی بین شهر بیشاپور و اردشیرخَره بنابر تحقیقات میدانی و باستان‌شناسی و بررسی ویژگیهای معماری آتشکده‌های موجود بر سر راه دو مسیر اصلی و عمده این دو شهر است. بدین‌منظور عمده تحقیقات باستان‌شناسی در این باره بررسی شده و مورد نقد قرار گرفته و پیشنهادی برای تعیین موقعیت آتشکده‌های یادشده، ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: آتشکده، اردشیرخَره، بیشاپور، ساسانیان، فارس، مهرنرسی.

مقدمه:

بیشاپور شهری سلطنتی و یکی از پنج کوره ایالت فارس در دوره ساسانیان، از ساخته‌های شاپور اول

ساسانی (۲۴۰ - ۲۷۰ م.) و سده‌های نخستین اسلامی است. ویرانه‌های این شهر در ۲۴ کیلومتری باختر کازرون بر سر راه فُهلان و در حاشیه جنوبی رودخانه شاپور واقع است. (سامی، ۱۳۴۴: ۱۴۲) بیشاپور بر سر راهی باستانی که جاده شاهی نامیده می‌شد، واقع بود و این شهر را می‌توان محل ارتباط راههای کهن ایران دانست. این راه در روزگار ساسانیان، شهرگور (فیروزآباد) و بیشاپور را به تیسفون وصل می‌کرد و از بیشاپور نیز راهی به کرانه خلیج فارس امتداد داشته است. (Ghirshman, 1971, I:36)

قزوینی بیشاپور را استان و شهر بنامی می‌داند و روایتی دارد که شاپور نام استان است و مرکز آن نوبندگان (نوبندگان) است. (آثارالبلاذ، ۱۳۷۱: ۴۶۸) ابن بلخی از اقدام اسکندر مقدونی در تخریب این شهر به هنگام فتح ایران می‌گوید که شاپور مجدداً این شهر را عمارت کرد و بیشاپور نام گذارد. (فارسنامه، ۱۹۲۱: ۱۴۲)

مؤلف *حدود العالم* تصویر کامل و دقیقی از این شهر ارائه کرده است، به گونه‌ای که تمامی آنچه را که وی گفته، اکنون مشهود است. او از باره، دو آتشکده و کوهی که بر آن صورت هرملکی و موبدی و مرزبانی نگاشته شده، گفته است. (ستوده، ۱۳۴۰: ۳۷۸) شماری دیگر از جغرافیایان و نویسندگان از آتشکده این شهر به نام سیاوشان و جنبذکوس یاد کرده‌اند. (ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۴۳)

اردشیرخره نیز نام یکی از تقسیمات پنجگانه اداری (کوره) فارس در دوره ساسانی و به نام فیروزآباد در سده‌های نخستین اسلامی است. (نیستانی، ۱۳۷۵: ۴۹۴) به استناد مدارک موجود، از قبیل رساله *شهرستان‌های ایران* (تفضلی، ۱۳۶۸: ۱۶۹) که به فارسی میانه نگارش یافته و همچنین منابع جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی، نام مرکز ولایت اردشیرخره، گور بوده و نام این شهر گاه به صورت گوراردشیرخره به کار می‌رفته است. (طبری، ۱۹۶۷: ۲۸۶؛ ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۲۶۴) درباره تاریخ بنای شهر و اینکه آیا پیش یا پس از نبرد نهایی اردشیر با اردوان و کشته شدن وی توسط اردشیر بوده است، اختلاف نظرهایی وجود دارد. بنابر آنچه که در کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۵۴: ۴۷، ۴۹) و به پیروی از آن در شاهنامه (فردوسی، ۱۹۶۸: ۱۳۶) آمده است، اردشیر شهر را پس از پیروزی بر اردوان بنیان نهاد، حال آنکه در گزارش‌های تاریخی، بنای این شهر پیش از نبرد نهایی آن دو ذکر شده است. (طبری، ۱۹۶۷: ۳۹) جغرافی‌نویسان دوره اسلامی با اختلافی اندک روستاهای ناحیه اردشیرخره را برشمرده‌اند (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۴؛ ابن فقیه، ۱۹۷۶: ۲۰۱) و برخی شرح دقیقی از این روستاها و مسیر آن ارائه نموده‌اند (ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۲۶۷). مقاله حاضر، شرح دقیق مسیرهای بین شهر بیشاپور و اردشیرخره و آتشکده‌های واقع در این مسیرها و مکانیابی چهار آتشکده ساخته مهرنرسی وزیر اعظم بهرام پنجم است.

زمینه تاریخی بحث:

بنابر روایت طبری (تاریخ طبری، ۱۹۶۷: ۸۷۰) و برخی دیگر (نولدکه، ۱۳۵۸: ۱۱۱؛ کرسستین سن، ۱۳۶۷: ۱۲۶-۱۲۵) مهر نرسی وزیر اعظم بهرام پنجم (۴۳۹-۴۲۱ م.) در ولایت اردشیر خُره، بناهای زیادی ساخت. وی از خاندان اسپندیاد اهل قریه ابروان (Abuwan) واقع در دشت بارین (Barin) از محال اردشیرخره پارس بوده است و روستای ژیره (Gireh) را در بلوک مجاور یعنی ناحیه شاپور، از اجدادش به ارث برد. مهرنرسی وزیر اعظم سه پادشاه یعنی یزدگرد اول (۴۲۱-۴۰۰ م.)، بهرام پنجم (۴۳۹-۴۲۱ م.) و یزدگرد دوم (۴۵۷-۴۳۹ م.) بوده و منابع ارمنی وی را «هزارپت درن اریتس» (Hazarpet _ dran arits) خوانده‌اند و در نامه‌ای که به هنگام وزارتش در دوران سلطنت یزدگرد دوم خطاب به او نوشته‌اند وی را هزار پت ایران و آنیران گفته‌اند و همین وزیر وقتی که به ارمنیان نامه می‌نویسد، خود را وزرگ فرم‌دار ایران و آنیران معرفی می‌کند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۱۷۷؛ کرسستین سن، ۱۳۶۷: ۱۳۴). براساس روایت طبری (تاریخ طبری، ۱۹۶۷: ۵۳ - ۸۱) و برخی دیگر (ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۸۴؛ بلغمی، ۱۳۴۱: ۳۵۲) مهر نرسی در زمان بهرام پنجم برای عبادت گوشه‌نشینی گزید، اگرچه در منابع تاریخی به این عزلت‌گزینی، اشاره‌ای نشده اما با توجه به گفته‌های طبری می‌توان حدس زد که کارهای عام‌المنفعه مهرنرسی و بنای آتشکده‌ها و پلها از سوی او در همین دوره فترت و جدایی از سیاست و سازمان دیوان‌سالاری انجام گرفته است. وی به نزدیک زادگاه خود ابروان (از روستای دشت بارین از ولایت اردشیرخره) چهار دهکده گرفت و در هر یک آتشکده‌ای بنا کرد. مهرنرسی به سان آتشکده‌ای که در دشت بارین و به نام خود «مهر نرسیان» بنا نهاده بود، آتشکده‌ای دیگر نیز در یکی از آن چهار دهکده به نام خویش ساخت و آن را «فراز آور خدایان» به معنای «سرور من رو به من آور» نامید. او همچنین در سه دهکده دیگر آتشکده‌هایی به نام فرزندان خود به نام‌های «زروانداد» - که پدر او را به کار دین و دستورهای دینی واداشته بود تا در این کار به آنجایی رسید که بهرام گور وی را به مقام هیربدان هیربد رسانید - و پسر دوم «ماگشنسب» - که در زمان بهرام پیوسته صاحب دیوان خراج بود - و پسر سوم «کاردار» - که در مقام فرماندهی سپاه و به عنوان ارگبذ و هم‌پایه سپهد فعالیت داشت - بنا کرد. مهر نرسی در همان ناحیه سه باغ گرفت. در یکی از آنها دوازده هزار نخل، در یکی دیگر دوازده هزار درخت زیتون و در سومین آنها دوازده هزار سرو کاشت که بنا به گفته طبری (تاریخ طبری، ۱۹۶۷: ۸۱ - ۵۳) این دهکده‌ها و باغها و آتشکده‌ها تا زمان وی به دست اعقاب مهرنرسی باقی بود و به بهترین وجه نگهداری می‌شد.

ابن‌خردادبه (المسالك و الممالك، ۱۸۸۹: ۴۵) از جغرافی‌دانان سده‌های نخستین اسلامی، روستای دشت

بارین و دهکده ابروان، زادگاه مهرنرسه را که آتشکده‌های مورد بحث در آن ناحیه ساخته شده است از ناحیه شاپور می‌داند (نیزنک: ابن بلخی، ۱۹۲۱: ۱۴۳). این در حالی است که استخری (مسالک و ممالک، ۱۸۹۴: ۱۰۶) و ابن حوقل (صورة الارض، ۱۹۳۹: ۱۸۳) آن را از ناحیه اردشیرخره می‌شمارند. به نوشته استخری (مسالک و ممالک، ۱۸۹۴: ۱۰۸) این نام به یقین برگرفته از نام آتشکده بارین واقع در فیروز آباد است. مقدسی شهر بارین را در کنار شهرهای گور، کارزین و جم در کوره شیراز معرفی کرده است. (احسن التقاسیم، ۱۹۰۶: ۶۳۳)

مطالعات باستان‌شناسی:

راه دسترسی بیشاپور به فیروزآباد (گور باستانی) از دو مسیر عمده، میسر است: مسیر اوّل که ۱۸۰ کیلومتر طول دارد، از طریق کازرون - بالاده - جره - فراشبند به سمت غرب، به فیروزآباد راه می‌یابد و مسیر دوم که ۲۴۰ کیلومتر مسافت دارد به ترتیب از شمال و رو به جنوب از کازرون به بالاده - جره - فراشبند به سمت جنوب، به دهرم رسیده و سپس رو به شهرهای جنوبی‌تر به شهر تاریخی قیروکارزین راه یافته و از سمت شمال به فیروزآباد منتهی می‌گردد. به دلیل ارتباط شهرهای جنوبی همچون جهرم، فسا، داراب، لار و بندر طاهری به شهرهای شمالی چون گور، شیراز و استخر، این مسیر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است، به شکلی که اکنون جاده ترانزیتی فیروزآباد به جم (کرانه خلیج فارس) از کنار این راه می‌گذرد. (نقشه شماره ۱) بنابر آنچه مقدسی نگاشته، راه فراشبند - فیروزآباد - دهرم اهمیت بسیاری داشته است (احسن التقاسیم، ۱۹۰۶: ۶۶۶). آنچه براهمیت مسیر دوم می‌افزاید شمار زیاد آتشکده و چهارتاقی موجود در این جاده است که به ترتیب از کازرون عبارت‌اند از: چهارتاقی بیشاپور، چهارتاقی کازرون (پل آبگینه)، آتشکده بزرگ جره (بالاده)، منصور آباد (تون سبز)، فراشبند، تل جیران، تل جنگی، بقاره خانه (فراشبند ۳)، رُهنی، گُنارسیاه و چهارتاقی نودران در نزدیکی فیروزآباد.

واندنبرگ در بررسی‌های خود در مسیر کازرون به فیروزآباد، ۹ بنا را به ترتیب برمی‌شمارد: آتشکده‌های گُنارسیاه، نودران، جره، کازرون و پنج آتشکده در جلگه فراشبند (Venden Berghe, 1961: 163-196). به رغم این، آتشکده‌های بیشاپور، منصورآباد، گنبد آتشکده فراشبند را نیز می‌بایست به فهرست یادشده، افزود که واندنبرگ به آنها اشاره‌ای نکرده است. بنابراین آتشکده‌های موجود در مسیر بیشاپور به گور به ترتیب موقعیت مکانی به شرح زیر می‌باشد:

- چهارتاقی بیشاپور: این بنا در محوطه تاریخی بیشاپور قرار گرفته است. در هیچ‌یک از منابع جدید حتی

گزارش‌های چهارتاقی‌های میراث فرهنگی که به‌صورت بسیار پراکنده موجود است، اشاره‌ای به این آتشکده نشده است. بنا در ضلع جنوب غربی محوطه شهر تاریخی بیشابور قرار گرفته و در حال حاضر ۲ تاق و ۳ پایه آن بر جای مانده است. گنبد کلاً تخریب شده ولی بقایای دو گوشواره برجای مانده است. مصالح آن شامل لاشه سنگ با ملات ساروج است. پلان در ابعاد $۹/۶۰ \times ۱۵$ متر، ارتفاع تاق $۳/۹۰$ متر و قطر گنبد $۷/۵۰$ متر است.

- چهارتاقی کازرون (پل آبگینه): در کازرون آتشکده‌ای موسوم به جفته و در همان جا آتشکده دیگر معروف به کواذان است. (ابن حوقل، صورة الارض: ۴۳) مؤلف حدود العالم از دو آتشکده بزرگ کازرون که مورد احترام مردم است، می‌گوید. (نک: حدود العالم، ۱۳۴۰: ۳۷۶) این چهارتاقی در سال ۱۳۱۶ به وسیله ماکسیم سیرو معرفی شد.

چهارتاقی کازرون در حال حاضر در ۱۵ کیلومتری جاده کازرون به شیراز و به فاصله ۵۰۰ متری جاده اصلی قرار گرفته است. پلانی مربع شکل به ابعاد $۸/۳۰$ متر دارد. از چهارتاق تنها یک تاق و دو پایه مانده است. فاصله دهانه تاق $۳/۸۰$ متر و ارتفاع پایه تا زیر گوشواره $۴/۶۰$ متر است. گذار با توجه به شباهت این بنا با کاخ سروستان آن را به بهرام پنجم نسبت داده و این بنا را یکی از آتشکده‌های مهرنرسی می‌داند. (گذار، ۱۳۷۱: ۳۵)

- آتشکده جره (بالاده): از آتشکده جره در متون جغرافیایی یاد شده است. برخی جغرافیایانویسان از آتشکده این شهر که از سوی دارا بنیاد شده است، سخن گفته‌اند. (حدود العالم، ۱۳۴۰: ۳۸۰) ابن حوقل نیز این آتشکده را منسوب به دارا بن دارا می‌داند. (صورة الارض، ۱۹۳۹: ۴۳)

روستای جره مرکز ناحیه‌ای به همین نام می‌باشد که در ۶۴ کیلومتری جنوب غرب کازرون قرار دارد. آتشکده جره در ۱۱ کیلومتری شمال شرقی روستای بالاده و در نزدیکی جره واقع شده است. (Schippmann, 1971: 139) این بنا در مسیر فرعی (سمت چپ) جاده کازرون به بالاده از مرکز این شهر طی مسافتی با جاده آسفalte و حدوداً ۲ کیلومتر جاده خاکی در مرتفع ترین بخش بلوک جره قرار گرفته است.

پایه‌های این چهارتاق کاملاً سالم و تاق‌های چهارگانه آن نیز سالم است. تنها قسمت فوقانی گنبد کمی تخریب شده و گوشواره‌ها نیز کاملاً سالم است. پلان، مربع شکل و هر ضلع آن $۱۴/۳۰$ متر می‌باشد. فاصله هر تاق $۶/۷۰$ ، ارتفاع هلال تاق $۴/۸۰$ و ارتفاع گنبد $۸/۷۰$ متر است. این آتشکده، مشرف به دره ای است که رودخانه جره از آن جاری است. بقایای بناهای الحاقی، در اطراف بنا مشاهده می‌شود.

گذار و هرتسفلد این آتشکده را یکی از بناهای چهارگانه مهرنرسی معرفی کرده‌اند. (گذار، ۱۳۷۱: ۳۵)

- **چهارتاق منصور آباد:** شیپمان به استناد گزارش گذار و واندنبرگ (۱۹۶۱) به آتشکده‌ای به نام تون سبز در منطقه‌ای به نام قنات باغ در ۲۵ کیلومتری جره اشاره می‌کند. (Schippmann: 137) اما هیچ‌یک، از ویژگی‌های کالبدی این بنا سخنی نمی‌گویند. مصطفوی، تون سبز را نام تپه‌ای می‌داند که حدوداً در جنوب شرقی آبادی قنات باغ واقع است. این تپه مشتمل بر گورستان مسلمانان و یک امامزاده است. (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۴۸۷)

گذار این آتشکده را ندیده و تنها به استناد گزارش یک کدخدا اطمینان یافته که این چهارتاق شبیه جره است. وی معتقد است وجود این آتشکده در این محل بدون تردید، دلیل بر آن است که آبروان در همان نزدیکی بوده و احتمالاً این محل یکی از باغ‌های شهری مهر نرسی است. (گذار، ۱۳۷۱: ۱۵۷)

در حال حاضر به استثنای بقایای یک چهارتاق به نام منصورآباد که محلی‌ها به آن منار نیز می‌گویند، آتشکده دیگری در آن اطراف وجود ندارد. این بنا حدوداً در ۲۰ کیلومتری جاده بالاده به فراشبند در جوار جاده اصلی در منطقه‌ای به نام باغ دشت و منصورآباد قرار گرفته است. سه پایه تخریب و تنها یک پایه به ارتفاع ۴/۵۰ متر بر جای مانده است. جرز این پایه ۴/۳۰ متر است. پایه‌های دیگر به علت ایجاد یک گورستان کاملاً منهدم شده است.

- **چهارتاق ملک یا فراشبند (۱):** دیولافوا در ادامه سفر خود به ایران و استان فارس در فراشبند نیز اقامت کرده و از نخلستان‌های با شکوه آن یاد می‌کند. وی طرحی از چهارتاقی فراشبند کشیده است. (ایران، کلد و شوش، ۱۳۶۴: ۵۰۳) این چهارتاق در مسیر راه فراشبند به فیروزآباد در مسافت ۳ کیلومتری مشرق فراشبند و یک کیلومتری جنوب کوهسار کوه آب پا و ۲ کیلومتری مغرب باغ موسوم به باغ ملک واقع است. (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۴۸۲) شیپمان این آتشکده را با نام فراشبند (۱) ثبت کرده است. (Schippmann, 1971: 127)

پلان بنا مربع و هر ضلع آن ۹/۴۰ متر است.

- **گنبد آتشکده فراشبند:** در فهرست آثار تاریخی ایران، بنایی با عنوان گنبد آتشکده فراشبند به ثبت رسیده است. این بنا در کیلومتر ۱۲ فراشبند به کازرون قرار گرفته است. اگر در مسیر جره به فراشبند قرار گیریم خواهیم دید که این بنا در ورودی شهر فراشبند در روستای آویز در سمت چپ جاده در یک دشت وسیع قرار گرفته است.

هرتسفلد این بنا را یکی از آتشکده‌های مهرنرسی می‌داند. (تاریخ باستان‌شناسی ایران، ۱۳۵۴: ۸) و گذار معتقد است بنا، بنای یک کلیسا است، کلیسایی ساسانی یا آتشگاهی که تغییراتی مختصر در آن داده شده

در اطراف چهارتاق این بنا راهروی مجزا کننده گرداگرد آن کشیده شده است. این بنا دارای بناهای الحاقی دیگری است که به تالار اصلی چهارتاق مرتبط است.

- **تل جیران:** از شهر فراشبند به سمت فیروزآباد، نرسیده به دو راهی دهرم، روستایی به نام کنارمالک قرار دارد. در سمت چپ جاده، یک مسیر خاکی از میان نخلستانی عبور می‌کند، و در آغاز این جاده، گورستانی به نام غرب پیر عبدالله است، که در آن، بقایای آتشکده چهارتاقی شامل تپه‌ای مملو از لاشه سنگ با ملات گچ دست کوب قرار گرفته است. این آتشکده، بشدت مضطرب است، و تنها قسمتی از تاق جنوبی در میان آثار و بقایای به‌جا مانده قابل مشاهده است. ابعاد این اثر، ۲۵ × ۱۵ متر است.

هرتسفلد نخستین فردی است که در خصوص مکان‌یابی آتشکده‌های مهرنرسی اظهار نظر کرده است. به نوشته او (تاریخ باستان‌شناسی ایران، ۱۳۵۴: ۸-۹) آتشکده فراشبند (گنبد آتشکده) و جره از گروه آتشکده‌های بزرگ کازرون و تون سبز در شمار آتشکده‌های کوچک بنا نهاده از سوی مهرنرسه به شمار می‌روند. گدار (آثار ایران، ۱۳۷۱: ۱۵۷) نیز به پیروی از هرتسفلد و با تأیید نظریه وی در خصوص مکان‌یابی آتشکده‌ها بر این باور است که هر چهار آتشکده، منفرد بوده و نحوه ساخت آنها نیز یکسان است.

واندنبرگ با آنکه پیشتر (باستان‌شناسی ایران باستان، ۱۳۴۸: ۵۳) نظر هرتسفلد و گدار را تأیید کرده بود، در مقاله‌ای دیگر (Venden Berghe, 1961:163-196) آراء خود را تصحیح کرد و مکان آتشکده‌های مهرنرسی را در مثلث بین فراشبند، کنارسیاه و کراب (خوراب) (نقشه شماره ۲) دانست. او ضمن برشمردن شباهت‌های ساختمانی آتشکده‌های ملک (فراشبند ۱)، تل جنگی (فراشبند ۲)، برجشمه ۱ (فراشبند ۳)، نقاره خانه (فراشبند ۴) و رهنی (فراشبند ۵) آنها را بنانهاده مهرنرسی معرفی نمود و اطلاق محال اربعه به منطقه جنوب غربی فراشبند را با ساخت چهار آتشکده در چهار روستای متعلق به مهرنرسه مرتبط دانست (Venden Berghe, 1961:190-191). از گزارش هرتسفلد و گدار چنین برمی‌آید که آن دو تمرکز خود را بر روی محدوده کازرون، جره و فراشبند گذاشته و توجهی به مسیر فراشبند - دهرم به فیروزآباد نداشته‌اند. بنابر نوشته طبری، ابروان از روستای دشت بارین از ولایت اردشیرخره بوده است. از همین رو، دشت بارین را باید در منطقه‌ای خارج از جره و بالاده جستجو کرد و این مناطق در حوزه شاپورخره بوده‌اند. بنا بر تأکید طبری، جره و دشت بارین دو منطقه مجزا از هم بوده؛ جره در شاپور و دشت بارین در اردشیرخره قرار داشته است. از همین رو، نمی‌توان نظر هرتسفلد و گدار مبنی بر اینکه سه آتشکده کازرون، جره و تون سبز در حوزه جره قرار داشته را با گفته طبری و اینکه آتشکده‌های مهرنرسی در ناحیه اردشیرخره بوده، پذیرفت.

با وجود این، واندنبرگ بنا بر بررسی‌های میدانی خود، نگاهی ویژه به مسیر فراشبند - فیروزآباد و خصوصاً راه فراشبند - دهرم داشته است؛ توصیفات وی از آتشکدهٔ نقاره‌خانه و گنارسیاه مؤید این نظر است. اگرچه، به نظر می‌رسد او تمام مسیر فراشبند - دهرم - فیروزآباد را طی نکرده و در نهایت تا دهرم پیش رفته است. با این همه، با توجه به نام منطقه محال اربعه، روستاهای چهارگانه مهرنرسی و آتشکده‌های متعلق به آن را تنها در ناحیه فراشبند حدس زده است. این درحالی است که محال اربعه بنا بر نقشه‌ای به سال ۱۳۱۱ هـ.ق از فرصت شیرازی (آثار عجم، ۱۳۷۷: ۱۱۵۵) (نقشه شماره ۳) تنها شامل بخش شرقی فراشبند، ناحیه دهرم، منطقه فیروزآباد، قیر و جرمشت در جنوب می‌شده است. به این ترتیب، مسیر اصلی شاپور به اردشیر خره که اکنون از شهر کازرون آغاز و به شهرهای بالاده، جره و فراشبند راه می‌یابد به جای مسیر نزدیک غربی (فراشبند - فیروزآباد) به سمت جنوب متمایل شده و به دهرم و از آنجا به فیروزآباد منتهی می‌گردد. در مسیر نزدیک غربی (فراشبند - فیروزآباد) آتشکده‌ای وجود ندارد اما در مسیر جنوبی (فراشبند - دهرم - فیروزآباد) وجود آتشکده‌های تل جنگی، نقاره‌خانه، رُهنی، گنارسیاه و نودران بر اهمیت این مسیر در دورهٔ ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی می‌افزاید. افزون بر این، بنابر آنچه طبری آورده به نظر می‌رسد چهار روستایی که مهرنرسی در آن آتشکده‌هایی بنا نهاده، در یک محور قرار داشته و یا نزدیک به هم بوده است. بی‌گمان ساختمان این آتشکده‌ها نیز که بانی واحدی داشته، از نقشه‌ای مشابه و از الگوی معماری واحدی پیروی می‌کرده است. از همین رو، به نظر می‌رسد، آتشکده‌های محور فراشبند - دهرم - فیروزآباد می‌تواند مکان دقیق چهار آتشکده مهر نرسی باشد. زیرا بقایای باغ‌ها و نخلستان‌هایی که طبری روایت کرده حداقل در اسامی روستاهای واقع در این محور و به طور کل، محال اربعه قابل شناسایی است. روستایی به نام خرما یک کوچک در دو راهی فراشبند به دهرم، خرما یک بزرگ، نزدیک منطقه آقا شهید و گنارسیاه، گواهی بر وجود باغ‌های خرما و درختان گنار در مناطق مذکور است. از همین رو، به نظر می‌رسد، چهار آتشکدهٔ تل جنگی، نقاره‌خانه، رُهنی و گنارسیاه در محور فراشبند - دهرم - فیروزآباد، چهار آتشکده مهر نرسی است که شرح آن در ذیل خواهد آمد:

- آتشکدهٔ تل جنگی یا فراشبند (۲): در ادامهٔ مسیر خاکی تل جیران پس از عبور از نخلستان‌های فراشبند،

آتشکدهٔ تل جنگی واقع است. شیپمان آن را فراشبند ۲ خوانده است. (Schippmann, 1971: 129)

بنا از دو قسمت تشکیل شده؛ قسمت اول مربع و به شکل چهارتاق که هر ضلع آن ۸/۸۰ متر است. (پلان شماره ۱) دورتادور این چهارتاق، دهلیزی به عرض ۲ متر ساخته شده که تاق‌های آن دقیقاً در امتداد چهارتاق داخلی است. هر ضلع این دهلیز نیز ۱۵/۸۰ متر است. فاصلهٔ دهانهٔ تاق ۴/۶۰ متر است و دیوارهٔ خارجی

سمت شمالی نیز به کل از بین رفته است. (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۴۸۳) گنبد بنا تخریب شده و ارتفاع گنبد تا کف، ۷ متر است. قسمت دوم بنای مزبور شامل دو ساختمان شبیه به یکدیگر است که در جنوب غربی چهارتاق قرار گرفته است. حیاط جنوب چهارتاقی ۲۵ × ۳۸ متر است. در ضلع جنوب شرقی چهارتاقی دو اتاق که سقف آن ضربی است و بالاشه سنگ و ملات ساروج احداث شده، موجود است. (تصویر شماره ۱) این مجموعه محوطه‌ای به ابعاد ۷۰ × ۴۰ متر را در بر می‌گیرد.

آتشکده نقاره خانه یا فراشبند (۴): در کیلومتر ۴ جاده فراشبند به دهرم یا امامزاده شهید، آتشکده‌ای به نام نقاره خانه یا فراشبند (Schippmann, 1971: 135) در سمت راست جاده بر روی یک بلندی قرار گرفته است. چهارتاق نقاره خانه در سه سطح ساخته شده است؛ سطح نخست از جانب جنوب شرقی است. این بخش شامل حیاط با حجره‌هایی دور تا دور آن است که هر ضلع آن ۱۲ حجره دارد. سطح دوم، فضایی مستطیل شکل است که اکنون صد در صد تخریب شده و سطح سوم چهارتاقی نقاره خانه قرار گرفته است. پلان بنا مستطیلی به ابعاد ۱۱/۳۰ × ۸/۳۰ متر، و تاق‌ها، پایه‌ها و گنبدها کاملاً سالم به‌جای مانده است. (پلان شماره ۲) در ضلع جنوبی، بقایای دهلیزی به عرض ۴/۱۰ متر دیده می‌شود. در غرب این چهارتاقی یک دهلیز با تاق ضربی وجود دارد که از طریق آن وارد دالان می‌شویم که احتمالاً دور تا دور چهارتاقی را احاطه کرده بود. ارتفاع از گنبد تا کف ۹ متر است. ضخامت بیرونی جرز طولی ۴/۳۰ × ۲/۲۰ متر و ضخامت بیرونی جرز عرضی ۲/۲۰ × ۲/۲۰ متر است. فاصله تاق‌ها ۴/۴۰ متر است. ارتفاع هلال ۴ متر است. (تصویر شماره ۲) مساحت کل مجموعه ۸۲ × ۵۷ متر است.

- آتشکده رهنی (فراشبند ۵): از جاده فراشبند به دهرم، حدوداً ۲ کیلومتر مانده به امامزاده شهید در سمت چپ در فاصله ۵۰۰ متری جاده، آتشکده بزرگ رهنی قرار گرفته است. گزارشی از این بنا در سازمان میراث فرهنگی فارس با عنوان چهارتاقی رهنی موجود است. این مجموعه دو چهارتاقی است که یکی در شمال و دیگری در جنوب قرار گرفته است. از چهارتاقی جنوبی تنها ۲ ستون بر جای مانده است. یک تاق این ستون به حیاط مرکزی راه دارد. ابعاد این چهارتاق ۴/۲۰ متر است. ابعاد حیاط مرکزی مربع که هر ضلع آن ۹ متر می‌باشد. در دو جانب حیاط، دالانی وجود دارد که هر یک به‌طور مستقل به چهارتاق اصلی شمالی منتهی می‌شود. عرض این دالان ۱/۷۰ و طول آن ۱۰ متر است. سقف آن با تاق گهواره‌ای پوشش داده شده و بدنه آن با اندود گچ پوشانده شده بود. چهار تاق اصلی که در شمال بناست به شکل مربعی به ابعاد ۶/۷۰ × ۶ متر می‌باشد. ارتفاع گنبد تا کف اتاق ۵/۳۰ متر می‌باشد. در شمال چهارتاقی ورودی دهانه‌ای به ابعاد ۲/۲۰ ارتفاع و ۱/۴۰ متر عرض وجود دارد و در ضلع شرقی و غربی چهارتاقی، ۲ اتاق با سقف گهواره‌ای ساخته شده که

ابعاد آن ۳/۸۵ ۲/۷۰ متر است. (پلان شماره ۳ و تصویر شماره ۳)

ورودی سمت جنوبی و شمالی، اتاق‌هایی با ابعاد کوچک با تاق گهواره‌ای وجود دارد. در جنوب این آتشکده، آب انباری به ابعاد ۱۱/۵۰ × ۵ متر و عمق ۸ متر احداث شده است. در جوار این آتشکده، مانند بسیاری از آتشکده‌های دیگر گورستانی قرار گرفته است.

– **آتشکده کُناَر سیاه:** از مسیر دهرم به فیروزآباد در گردنه سَلَبَکی در ۳۰ کیلومتری جنوب فیروزآباد آتشکده معروف کنارسياه قرار گرفته است. این آتشکده بر روی بلندی در کنار جاده تازه‌ساخت فیروزآباد– جم قرار دارد.

به نظر مصطفوی کنارسياه بزرگترین و کاملترین بنای آتشکده عهد ساسانی موجود در سرزمین ایران است. (آتشکده‌های پارس، ۱۳۸۱: ۲۵۳) دیوار خارجی آتشکده که هنوز هم آثار آن مشهود است به درازای ۸۵ متر و پهنای ۴۰ متر است. تمام ساختمان از سنگ‌های لاشه با ملاطی از گچ ساخته شده است. (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۰۵)

این بنا شامل دو چهارتاقی، دو حیاط، یک اتاق متعلق به موبدان و تعدادی اتاق دیگر است. ابعاد کل مجموعه ۷۰ ۵۴ متر است. یکی از این چهارتاقی‌ها که در بلندترین نقطه واقع شده، به چهارتاقی باز معروف است. این بنا مربع و در ابعاد ۸/۵۰ متر است. ضخامت جرزهای آن ۲ ۱/۶۰ متر و عرض دهانه‌هایش ۴/۵۰ و ارتفاع آن ۸/۵۰ متر است. چهارتاقی دیگری که در ضلع شمالی حیاط غربی واقع شده، دارای ابعادی برابر با ۹/۹۰ ۸/۹۰ متر است. این چهارتاق اکنون دارای یک در ورودی در سمت شمال است. ارتفاع این چهارتاقی با احتساب گنبد ۷/۷۰ متر است. (تصویر شماره ۴ و پلان شماره ۴)

اتاقی که مخصوص موبدان بوده، دارای ابعاد ۳۸۰ ۲۸۰ سانتیمتر است. سقف به صورت گهواره‌ای است. (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۲۳)

نتیجه‌گیری:

بنابر نوشته طبری، ابروان از روستای دشت بارین از ولایت اردشیرخره بوده است. از همین رو، دشت بارین را باید در منطقه‌ای خارج از جره و بالاده جستجو کرد که در حوزه شاپورخره بوده‌اند. بنابر تأکید طبری، جره و دشت بارین دو منطقه مجزا از هم بوده که جره در شاپور و دشت بارین در اردشیرخره قرار داشته است. بر این اساس نظر هرتسفلد و گدار مبنی بر اینکه سه آتشکده کازرون، جره و تون سبز که در حوزه جره قرار داشته با گفته طبری و اینکه آتشکده‌های مهرنرسه در ناحیه اردشیرخره بوده است، متناقض

به نظر می‌رسد.

بقایای باغ‌ها و نخلستان‌های محور فراشبند - دهرم - فیروزآباد و اطلاق نام محال اربعه به نواحی یاد شده، این گمان را تقویت می‌کند که روستاهای این محور می‌توانسته روستاهای مورد اشاره طبری باشد که مهر نرسی در آنجا آتشکده‌های چهارگانه تُل جنگی، نقاره خانه، رُهنی و گُناَر سیاه را ساخته است. پیرامون متن فرمان مهرنرسی برای احداث چهار آتشکده، چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد؛ نخست آنکه این روستاها باید در یک محور ساخته شده باشند. به این معنی که موقعیت جغرافیایی این روستاها نباید به شکلی پراکنده یا تجمع‌یافته شده، در یک منطقه یا مناطق مختلف قرار گیرد؛ دوم، باید بین این روستاها مسافتی معمولی وجود داشته باشد؛ به عبارتی این فاصله باید به اندازه حداقل مسافت یک راه روزانه کاروان-رو، در حدود ۶ فرسخ یا کمتر از آن باشد؛ سوم، به واسطه صدور فرمان از سوی بالاترین مقام اجرایی کشور، باید این بناها با شکوه ساخته شده باشند. بی‌گمان ساختمان این نوع آتشکده‌ها با سایر آتشکده‌های محلی و شهری متفاوت است. همانگونه که طبری اشاره داشته است، وی بناهای بلند ساخته است؛ چهارم، به دلیل اینکه این آتشکده‌ها در یک دوره زمانی و با یک فرمان ساخته شده‌اند، طبعاً باید ساختمانی با یک فرم، قالب و الگوی معماری باشند.

افزون بر این، این آتشکده‌ها در فواصل، و به نسبت معینی از هم و در حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومتری (به غیر از آتشکده تُل جنگی و نقاره خانه) احداث شده‌اند. پلان چهار آتشکده یاد شده و مصالح به کار رفته در آن مانند سنگ‌های لاشه، یکسان است. هر چهار آتشکده در یک مجموعه وسیع ساختمانی احداث شده‌اند و بنای چهار تاق یکی از قسمت‌های اصلی ساختمان است. مساحت مجموعه ساختمانی تُل جنگی ۲۸۰۰ مترمربع، نقاره خانه ۴۶۷۴ مترمربع، رُهنی ۷۵۰ مترمربع با دو چهارتاقی و حیاطی مستطیل شکل به مساحت ۸۱ مترمربع در حد فاصل این بناهاست و گُناَرسیاه به مساحت ۲۷۸۰ مترمربع است. ابعاد چهارتاقی‌ها نیز نزدیک به هم و به ترتیب زیر است: تُل جنگی، ۷۷/۵ مترمربع؛ نقاره خانه، ۹۳ مترمربع؛ رُهنی، ۴۰ مترمربع و گُناَرسیاه ۷۲/۵۰ مترمربع است. هر چهار آتشکده دارای دهلیز طواف هستند و عرض دهلیز تُل جنگی ۲ متر، نقاره خانه ۴/۳۰، رُهنی ۱/۷۰ و گُناَرسیاه ۲ متر است.

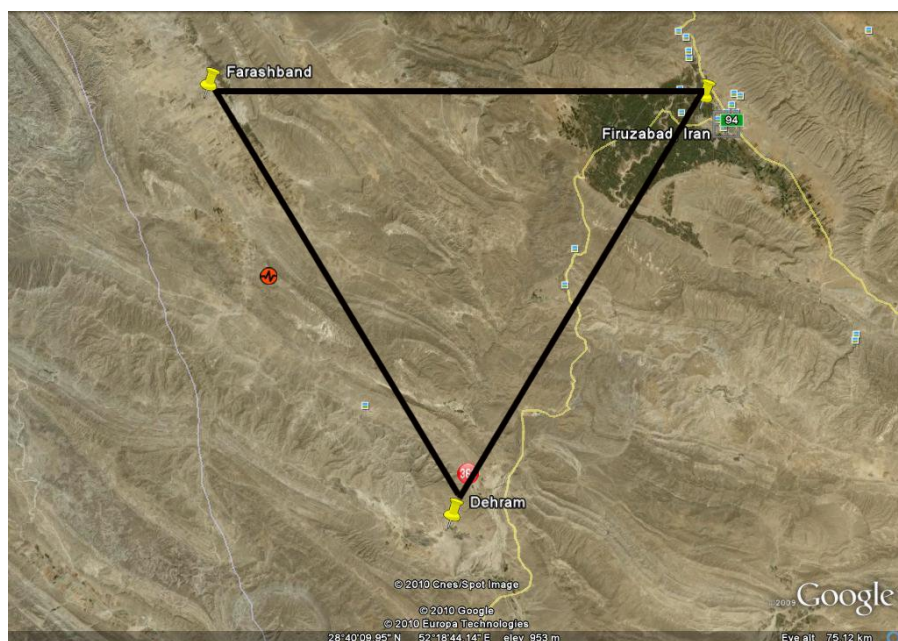
منابع:

- ابن بلخی (۱۹۲۱) *فارسنامه*، به کوشش لسترنج و نیکلسن، لندن.
ابن حوقل، محمد (۱۹۳۹) *صورة الارض*، به کوشش کرامرس، بریل، لیدن.

- ابن خردادبه، عبیدالله (۱۸۸۹) *المسالك و الممالك*، به كوشش دخویه، بریل، لیدن.
- ابن فقیه، احمد (۱۹۷۶) *مختصر كتاب البلدان*، بریل، لیدن.
- ابن مسكویه، احمد (۱۳۶۹) *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، سروش، تهران.
- اصطخری، ابراهیم (۱۸۹۴) *مسالك و ممالك*، به كوشش دخویه، بریل، لیدن.
- بلعمی، ابوعلی محمدبن محمد (۱۳۴۱) *تاریخ بلعمی*، به كوشش محمد تقی بهار و محمد پروین گنابادی، وزارت فرهنگ، تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۶۸) «شهرستان‌های ایران»، در: *شهرهای ایران*، به كوشش محمد یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، تهران.
- دیولافوا، ژان (۱۳۶۴) *ایران، كلد و شوش*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، دانشگاه تهران، تهران.
- سامی، علی (۱۳۴۴) *تمدن ساسانی، بنیاد تخت جمشید*، شیراز.
- حدودالعالم من المشرق الى المغرب (۱۳۴۰) به تصحیح منوچهر ستوده، طهوری، تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷) *تاریخ طبری*، به كوشش محمد ابوالفتحی ابراهیم، دارالصادر، قاهره.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۸) *شاهنامه*، به كوشش عثمانوف، مسكو.
- فرست شیرازی، محمد نصیر (۱۳۷۷) *آثار عجم*، جلد دوم، به كوشش منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران.
- فروهوشی، بهرام (۱۳۵۴) *كارنامه اردشیر بابكان*، دانشگاه تهران، تهران.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۱) *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، دانشگاه تهران، تهران.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۷) *ایران در دوران ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، امیرکبیر، تهران.
- کمالی سروستانی، کوروش (۱۳۸۴) *دانشنامه آثار تاریخی استان فارس*، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، تهران.
- گدار، آندره (۱۳۷۱) *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، جلد اول، آستان قدس رضوی، تهران.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۴۳) *اقلیم پارس*، انجمن آثار ملی ایران، تهران.
- _____ (۱۳۸۱) «آتشکده‌های پارس»، در: *مجموعه مقالات محمدتقی مصطفوی*، جلد اول، تهران.
- مقدسی، محمد (۱۹۰۶) *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، بریل، لیدن.
- نولدکه، تئودور (۱۳۵۸) *تاریخ ایرانیان و عرب ها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب، پ «وهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» تهران.
- نیستانی، جواد (۱۳۷۵) «اردشیرخره»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۷، به كوشش كاظم موسوی بجنوردی، تهران.
- واندنبرگ، لویی (۱۳۴۸) *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، دانشگاه تهران، تهران.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۵۴) *تاریخ باستان‌شناسی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*، ترجمه علی اصغر حکمت، انجمن آثار ملی ایران، تهران.
- Ghirshman, R.(1971) Bichapour, Paris.
- Schippmann,K.(1971) Die Iranischen Feuerhiltümer, Berlin/Newyork
- Venden Berghe, L. (1961), Recentes decouvertes de monuments sassanide dans le Fars, *Iranica Antiqua*, vol.1,pp.163-198.



نقشه شماره ۱: مسیر بررسی شده از کازرون به فراشبند - دهرم - فیروزآباد



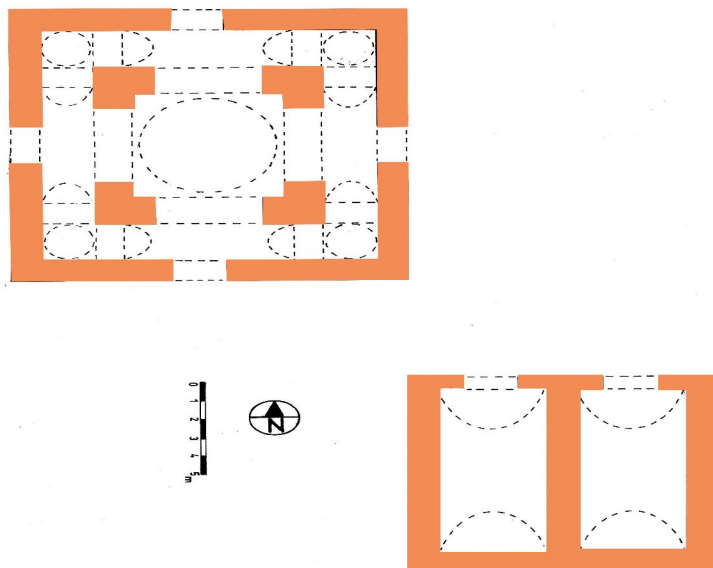
نقشه شماره ۲: مثلث فراشبند - دهرم - فیروزآباد



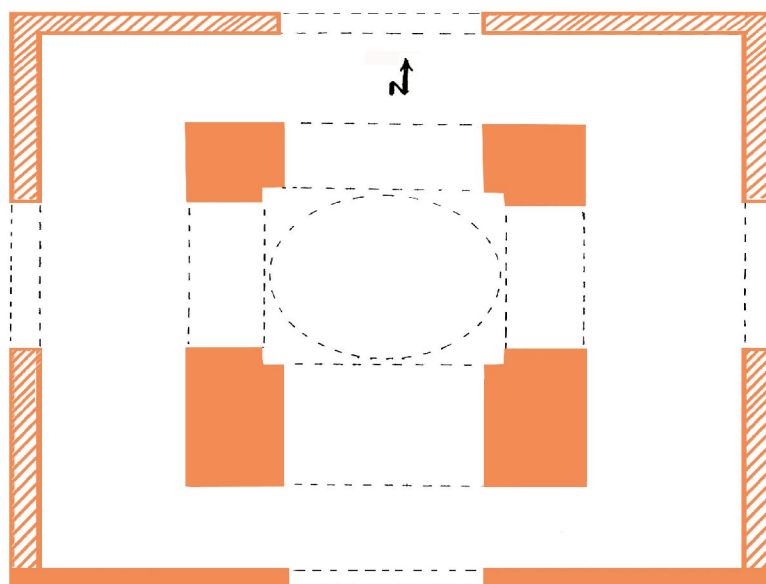
نقشه شماره ۳: نقشه ترسیم شده به وسیله فرصت شیرازی؛ محال اربعه با دایره منقطع نشان داده شده



تصویر شماره ۱: آتشکدهٔ تل جنگی؛ نمای چهارتاقی و قسمتی از دهلیز (عکس از نگارنده)



پلان شماره ۱: آتشکدهٔ تُل جنگی (Vanden Berghe, 1961)



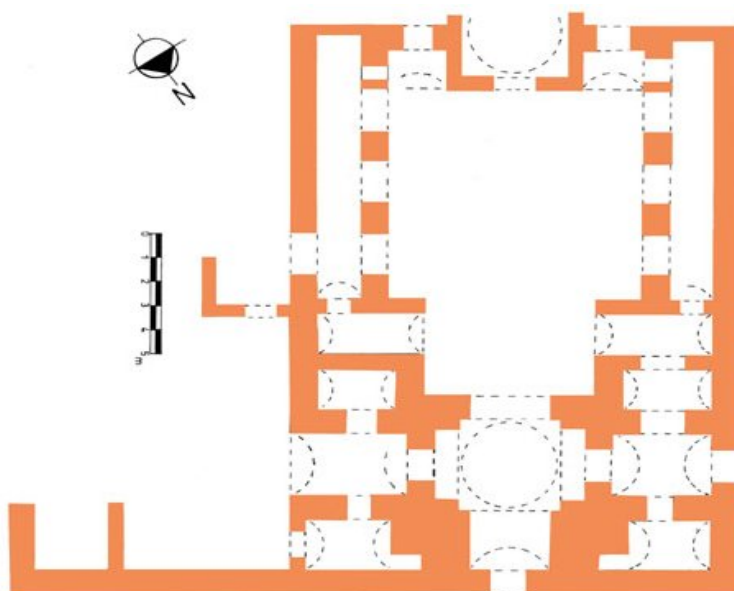
پلان شماره ۲: بقاره خانه (Vanden Berghe, 1961)



تصویر شماره ۲: نمای جنوبی نقاره خانه (عکس از نگارنده)



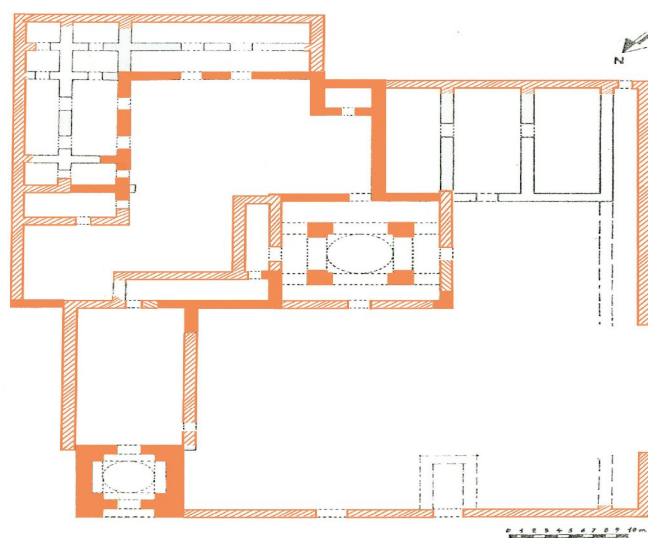
تصویر شماره ۳: نمای جنوبی آتشکده رُهَنی (عکس از نگارنده)



پلان شماره ۳: آتشکده رُهْنی (Vanden Berghe, 1961)



تصویر شماره ۴: محوطه آتشکده کُناَر سیاه (عکس از نگارنده)



پلان شماره ۴: آتشکده کُناَر سیاه (Vanden Berghe, 1961)